

## اسپینوزا - ابن جبرول

اسپینوزا حکیم شهیر هلندی ستاره درخشانی بود که افق معارف دنیای غرب را روشن ساخته است. تابش فروغ افکار و آراء او محدود به عصر و قرنی نبود بلکه اعصار و ازمنا آبنده را نیز در پرتو خود روشن خواهد داشت .

اسپینوزا در سال ۱۶۳۲ میلادی متولد شد . پدرش از نجار توانگر یهود بود و دوست میداشت یسرش روزی از روحانیون یهود و استاد لاهوت و کلام باشد . ولی روح کنجکار و حقیقت جوی اسپینوزا پای بند میل پدر نماند و بدرس فلسفه و مخصوصاً آثار دکارت پرداخت .

در سرگذشت ابن فیلسوف بزرگ ، حوادث شایان توجه و غیر عادی رخ نداده است . با خاطری آسوده و معیشتی ساده میزیست و همیشه در دریای ادبش های حکیمانه مستغرق بود ، پس از سیاحت در بعضی شهر های هولاند در شهر لاهه رحل اقامت افکند و عمر خویش را مصروف و برخی دانش و فلسفه نمود . اسپینوزا عقل و ماده را دو صورت از جوهر یگانه ای می داند که همیشه ملازم بوده و هیچگاه از یکدیگر جدا و تنها نیست .

در هر موجودی بهره ای از عقل و روح نهاده است و همین رای ارسطو است که می گفت در همه موجودات عنصری روحی وجود دارد که در هر یکی درجه ای مناسب و در خور آن موجود نهفته است .

نظریه دوئی و تقابل (Parallelisme) که شالوده فلسفه اسپینوزاست بر روی مبادی دکارت پدید آمده و می گوید : عقل و ماده دو موجود متمایز و جداگانه است و هیچ پیوستگی و اشتراکی نداشته و هر یکی را حدود و مشخصات معلومی است . ولی هرچه در دایره عقل رخ دهد در دایره ماده نیز نظیرش روی خواهد داد و بالعکس . اسپینوزا از این دو نظریه باین نتیجه رسید : اکنون که هیچگونه تفاعل و پیوستگی میان عقل و ماده نیست ولی هرچه در هر یک از آن دو حادث شود در آندیکر نیز حادث خواهد شد ناچار این دو یک جوهر بوده که بدو صورت متمایز جاوه گشته است . اسپینوزا حکمت متعالی و فلسفه بلند آوازه خویش را بر این اساس استوار ساخت و آثار گرانبهایی که از ذخایر جاودان فکر و فرهنگ بشری است بوجود آورد .

قضا را به سرگذشتی موجز از ابن جبرول دست یافتیم که حاوی کلیات آراء ابن حکیم بزرگ عرب بوده و خلاصه ای از مبادی او را از کتاب « سر چشمه حیات » تالیف نفیس حکیم نقل کرده بود .

ابن جبرول که در زبانهای فرنگی بنام Avicbron خوانده میشود در سال ۱۰۲۱ میلادی در شهر مالاکان متولد شد و در سال ۱۰۷۰ وفات یافت .  
ابن جبرول شش قرن پیش از اسپینوزا باین اندیشه افتاده و همین پندار را مابم شده است .

ابن جبرول از بعضی جهات زندگی و شخصیت عقلی و نیز در روش معیشت نزدیک با اسپینوزا بود و چنان بانیک و بد سر کرده بود که بعد از مردنش هم نمیدانستند پیرو آئین کلیم بوده است یا مومن اسلام و یا دین مسیح .

نسخه ای عبرانی از کتاب « سر چشمه زندگی » که از اصل عبری « بنوع الحیوة » ترجمه شده است آراء فلسفی و عرفانی حکیم عرب را روشن نمود و منزلت سامی علمی و فلسفی او را نمایان ساخت .

ابن جبرول بشهادت نص کتابش فضل تقدم بر اسپینوزا دارد و کزاف نیست اگر گفته شود نظریه ابن جبرول رهبر و سر چشمه الهام اسپینوزا بوده است .

ابن جبرول میگوید : جواهر روحانی و جسمانی دو نوع از یک جنس عالیتری است که عبارت از ماده موجود در آندو میباشد . حکمای مشاء ماده را یکی از علل هستی میدانستند ولی در نظر من جهان مادی و عقلی هر دو از جوهری یگانه پدید آمده است . حکمای یونان و مخصوصا پیشوایان دبستان « افلاطونی جدید » می گفتند عالم عقلی علت پیدایش محسوسات است و اگر مشارکت عقل در پیدایش موجودات حسی نبود هیچ محسوسی وجود نداشت .

نمیتوان گفت جواهر مجرد، بسبب امتداد دیگر موجودات، مرکب . چون بساطت هر جواهر مجردی نسبت دیگر مجردات سنجیده میشود ولی در برابر وجود مجرد و بسبب خدا همه چیز مرکب میباشد .

ابن جبرول برخلاف فلاسفه معاصرین بوجود ماده کلی یگانه ای معتقد بود که قوام همه موجودات مادی و معنوی است .

ابن جبرول و اسپینوزا بیک نتیجه ولی از دروازه رسیده اند و میتوان گفت ابن رأی زائیده نبوغ و ابتکار ابن جبرول بوده و او را موجد دبستان فلسفی آزاد و بدیعی مینماید .

ابن نظریه ابن جبرول در عالم فلسفه و علم ارزش شایانی دارد و در قرن هجدهم و نوزدهم بار دیگر مورد تحسین و قبول واقع گشته و مذاهب فلسفی چندی را سبب شده است .

ولیمون خوری